

آیه مباهله از نگاه علامه بهبهانی

یکی از دانشمندانی که به بررسی واقعه مباهله و شبهات پیرامون آن پرداخته است، علامه بهبهانی است که در حدیث نوزدهم کتاب «مصباح الهدایه» خود با نگاهی ژرف و موشکافی‌های عالمانه به تفسیر آیه مباهله پرداخته است.



یکی از دانشمندانی که به بررسی واقعه مباهله و شبهات پیرامون آن پرداخته است، علامه بهبهانی است که در حدیث نوزدهم کتاب «مصباح الهدایه» خود با نگاهی ژرف و موشکافی‌های عالمانه به تفسیر آیه مباهله پرداخته است.

آیه مباهله از نگاه علامه بهبهانی حجت الاسلام والمسلمین امرالله شجاعی راد، محقق و استاد حوزه و دانشگاه در گفت و گو با ایکن از خوزستان درباره آیه مباهله و تفسیر علامه بهبهانی درباره این آیه گفت: آیه ۶۱ سوره آل عمران به «آیه مباهله» شهرت یافته است: «قَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَبَنَاتَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ»: هرگاه بعد از علم و دانشی که (درباره مسیح) به تو رسیده، (باز) کسانی با تو به محاجه و ستیز برخیزند، به آنها بگو: بیایید ما فرزندان خود را دعوت کنیم، شما هم فرزندان خود را؛ ما زنان خویش را دعوت نمایم، شما هم زنان خود را؛ ما از نفوس خود دعوت کنیم، شما هم از نفوس خود؛ آن گاه مباهله کنیم؛ و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم.

وی اظهار کرد: مفسران شیعه و اهل سنت معتقدند که این آیه، اشاره به مناظره معروف مسیحیان نجران با رسول اکرم(ص) دارد. آنان حضرت عیسی (ع) را دارای جنبه خدایی می دانستند و توصیف وحیانی قرآن را درباره عیسی(ع) که وی را بنده پارسای خداوند و پیامبر می داند قبول نداشتند. پس از مؤثر نبودن صحبت‌ها و دلایل، پیامبر اکرم(ص) به آنان پیشنهاد مباهله داد.

شجاعی راد ادامه داد: مباهله در اصطلاح به معنای نفرین کردن دو نفر یا دو گروه بر ضد یکدیگر است. رخداد مباهله در روز ۲۴ ذی الحجه سال نهم هجرت(سال عام الوُفود) در پی نامه پیامبر اسلام(ص) به مسیحیان نجران اتفاق افتاد.

این استاد دانشگاه افزود: نصاری نجران چون جدیت و اخلاص پیامبر(ص) و همراهانشان را مشاهده کردند از عقوبت الهی هراسان شده و با توصیه بزرگشان تن به مباهله ندادند. آنان با پیامبر(ص) صلح کرده و درخواست کردند که با پرداخت جزیه بر دین خود باقی بمانند؛ پیامبر نیز پذیرفت.

این محقق گفت: بنابر روایتی امام رضا(ع) این آیه را بزرگترین فضیلت حضرت علی(ع) در قرآن معرفی می کند. مفسران اهل سنت هم مانند زمخشری در کشاف و فخر رازی در تفسیر کبیر و بیضاوی در تفسیر انوارالتنزیل و دیگران گفته اند که مراد آیه از «أَبْنَاءَنَا» [پسرانمان] حسن و حسین(ع) و مراد از «نِسَاءَنَا» [زنانمان] فاطمه زهرا(س) و مراد از «أَنْفُسَنَا» [جان هایمان] حضرت علی(ع)، بوده است، یعنی چهار تنی که همراه با خود رسول خدا، پنج تن آل عبا را تشکیل می دهند.

شجاعی راد درباره تفسیر علامه بهبهانی از این آیه گفت: یکی از دانشمندانی که به بررسی این واقعه و شبهات پیرامون آن پرداخته است، علامه ذوفنون آیت الله العظمی میر سیدعلی بهبهانی بن میر سید محمد موسوی بهبهانی (زاده ۱۳۰۲ هـ.ق.؛ درگذشته ۱۳۹۵ هـ.ق) است؛ ادیبی، متکلم و نویسنده ای توانا و عالمی زمان شناس و مهاجر و مدافع حریم ولایت و فقهی جامع شرایط که از مراجع تقلید زمان خود به شمار می آمد.

وی ادامه داد: علامه بهبهانی دارای آثار تألیفی فراوانی است که از آن میان می توان به این آثار اشاره کرد: «القواعد الكلية» و «الاشتیاق»، و «كشف الاستار» و «اساس النحو» و «حاشیه عروة الوثقی» و «التوحيد الفائق فی معرفة الخالق» و «مقالات حول مباحث الالفاظ» و کتاب گرانسنگ «مصباح الهدایة فی اثبات الولاية» که از بهترین آثار ایشان و از غرر آثار در موضوع خود است.

به گفته این استاد دانشگاه، کتاب «مصباح الهدایه» از آن چنان جایگاه علمی برخوردار است که باید توسط استادان فن تدریس شده و نکات دقیق تفسیری، کلامی و ادبی آن استخراج شود. ایشان در این کتاب به خوبی از حریم ولایت در برابر تیرهای زهرآگین شبهات دشمنان تشیع دفاع و نام خود را در صدر فهرست نامداران دفاع از حریم ولایت ثبت و ضبط کرده است. علامه بهبهانی این مرزبان حریم تشیع در کتاب شریف و گرانقدر و ابتکاری «مصباح الهدایه» در حدیث نوزدهم به بررسی آیه مباهله و روایات پیرامون این واقعه پرداخته است.

این پژوهشگر توضیح داد: نگاه ژرف ایشان هم درون آیه ای و برگرفته از نکات و لطائف موجود در خود آیه و مفردات آن است که با موشکافی‌های عالمانه ایشان همراه است و هم نگاه برون آیه ای به روایات فریقین دارد.

وی افزود: ایشان در ابتدا بعد از ذکر روایات شیعه در ذیل آیه مباهله می فرماید: انحصار اصحاب کساء در پنج تن آل عبا(ع) از موارد اجماعی بین شیعه و سنی است و روایات آن به حد تواتر رسیده است و این امر منافاتی با تعبیر به صیغه جمع در آیه و اینکه (نساء) و (انفس) متعدد نیستند؛ ندارد، چراکه اولاً تعبیر به واحد با عبارت جمع در مقام تعظیم شایع است و اضافه بر آن، تعبیر به صیغه جمع در اینجا برای تبیین این نکته است که هر کدام از دو طرف مباهله سزاوار است که خواص اهل بیت خود از این سه گروه (زنان و بچه ها و خود) را به میدان آورند، چه این اصناف سه گانه متعدد باشند و چه نباشند. اینکه حضرت رسول(ص) از میان این همه زن، فقط فاطمه زهرا(س) و از میان فرزندان، فقط حسن(ع) و حسین(ع) و از مردان خودی فقط امیرالمؤمنین(ع) را آورده است، نشان می دهد که آنان از خواص اهل بیت وی بوده و همتای آنان در فضل وجود ندارد.

این استاد دانشگاه گفت: علامه بهبهانی سپس استنباطات خود را از آیه بیان کرده و می فرماید: آیه مباهله کاشف از چند مطلب است: اول اینکه امیرالمؤمنین(ع) از بین این پنج تن، اخص و اقرب آنان به خداوند و پیامبر(ص) است، چراکه خداوند وی را به منزله نفس و جان نبی(ص) قرار داده است. ثانیاً این آیه نشان دهنده آن است که شأن و جایگاه و منزلت امیرالمؤمنین(ع) جایگاه و شأن نفس نبی است و این مفهوم (نفس النبوی) بودن در سایر روایات از شیعه و سنی با عبارات مختلف هم گزارش شده است.

شجاعی ادامه داد: نکته سوم علامه این است؛ وقتی جایگاه و منزلت امیرالمؤمنین(ع) جایگاه و منزلت نفس نبی باشد، معلوم می شود خلافت و امامت نیز به ایشان اختصاص دارد، چرا که جانشینی شخصی از دیگری یعنی اینکه قائم مقام آن شخص است و به منزله اوست و بعد از اثبات چنین اختصاصی به نص آیه شریفه، دیگر معقول نیست که خلافت از وی سلب شود، چرا که سلب آن عین تناقض خواهد بود. توضیح آنکه وقتی خداوند امیرالمؤمنین(ع) را مطلقاً به منزله نفس پیامبر(ص) معرفی کرد دیگر معنا ندارد که خلافت را از ایشان سلب کنیم، چرا که یکی از وجوه و مصادیق بارز این منزلت همین مسأله خلافت است به گونه ای که اگر بخواهیم بگوییم که ایشان به منزله پیامبر در غیر مسأله ولایت و خلافت - که عمده شئون رسول است - هستند، در آن صورت تعبیر به (نفس رسول) درباره ایشان صحیح نیست. در واقع تصریح به این خلافت در آیه تنها تأکید و ارشادی است به امری ثبوتی و اینکه این منزلت وجود داشته است و وقتی کسی به خلافت پیامبر می رسد، یعنی چون بالاترین مراتب و درجات صلاحیت را دارد، کسی همتای او نیست و اوست که مستحق خلافت است و معقول نیست که با وجود وی به دیگری مراجعه کرد و آیه کریمه دلالت دارد بر اینکه خلافت و امامت فقط اختصاص به امیرالمؤمنین (ع) دارد.

این محقق گفت: نکته چهارم علامه درباره آیه این است که وقتی معلوم شد که آیه شریفه دلالت دارد بر اینکه اصحاب کساء، نزدیک ترین و محبوب ترین افراد در نزد خداوند متعال هستند، معلوم می شود که معقول نیست که خلافت از آنان به دیگران منتقل شود، چرا که محال است که دورتر و ابعد، سرپرست برای اقرب و نزدیکتر باشد.

این استاد حوزه گفت: علامه بهبهانی در انتهای بحث اشکالی را طرح کرده و به آن پاسخ می دهد و آن اینکه اگر گفته شود که ثبوت خلافت و امامت از آیه برای امیرالمؤمنین(ع) مسلم است اما این دلالت ندارد که امامت برای دیگران ثابت نباشد. در جواب خواهیم گفت: خلافت برای امیرالمؤمنین(ع) به نص آیه شریفه ثابت شده است و این امر مانع از ثبوت خلافت برای دیگران به وسیله بیعت و یا اتفاق اهل حل و عقد است، زیرا وقتی نص و تصریح در آیه موجود است دیگر جایی برای بیعت باقی نمی ماند و پرواضح است که خلافت خلفا با نص آیه نبوده است بلکه خلافت اولی(ابوبکر) با بیعت بوده و خلافت دومی(عمر) با نصب اولی بوده و خلافت سومی(عثمان) با حکم شورای که دومی تعیین کرد، بوده است. علاوه بر آن که اگر آنان جایگاه شان نسبت پیامبر جایگاه نفس پیامبر به خودش بود می بایست پیامبر آن را در مباهله تحت کساء قرار می داد، چرا که خداوند پیامبرش را امر به دعوت کسانی کرد که جایگاه شان جایگاه نفس پیامبر(ص) باشد. پس عدم دعوت آنان توسط پیامبر(ص) برای مباهله کاشف از عدم ثبوت این منزلت و جایگاه در آنان است. (مصباح الهدایة فی اثبات الولاية، چاپ چهارم، مدرسه دارالعلم، ص ۱۸۸ - ۱۹۳، حدیث نوزدهم)

شجاعی راد در پایان خاطرنشان کرد: نکات ظریف تفسیری و کلامی دیگری نیز در بیانات ایشان وجود دارد که علاقه مندان را به اصل کتاب ارجاع می دهیم.